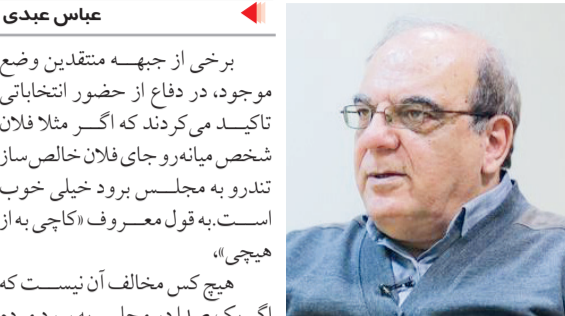


یادداشت ...

## مخالف تحریم انتخابات هشتم امامشارکت به هر قیمت هم مفید نیست!



بلند باشد، بهتر از این است که هیچ کس بلند نباشد، حتیما بهتر است که آقای دکتر پزشکیان در مجلس باشد تا حداقل صدایی به سود مردم بلند شود. ولی به چه قیمتی؟ مساله اصلی این است.

هدف انتخابات این نیست که یک یا چند نفر محدود بروند مجلس که برای مردم فریاد بزنند. یک صدا از ۳۰۰ صدای آن است که اکثریت نمایندگان را همسو با خواست اکثریت کنند. در حالی که قریب به اتفاق چنین نامزدهایی ردصلاحیت می شوند و هیچ دلیلی نیست که مهر تایید بر سلب چنین حقی از مردم بزنند.

البته این مساله همیشه بوده، ولی در جایی باید خط قرمز محسوب شود. فقدان خط قرمز بزرگ‌ترین هدهیده‌ای است که به مخالفان انتخابات آزاد دوستی تقدیم می شود تا هر کاری بخواهند انجام دهند. به همین علت است که تایید و ردصلاحیت‌ها سیاسی شده و در مورد برخی افراد یک در میان انجام می شود. عمل گرای سیاسی یک نقطه مثبت برای سیاستمدار است، ولی مرز ظریفی دارد که ممکن است به ورطه یا پریشی سقوط کند. هنگامی که چنین شده نه در مردم پایگاهی خواهد داشت و نه حتی خطری برای «خالص‌سازان» دارد. نکته بسیار مهم تر این است که شرکت در چنین فرآیندی صریحا تایید برندی است که به اینجا رسیده‌ایم. چنین روندی رخل امتیث و منافع ملی و به زیان مردم است. با چنین شرکتي نمی‌توان این روند را اصلاح کرد به ویژه اینکه تداوم همین روند بوده که کار را به اینجا رسانده است.

چگونه با ادامه این راه می‌توان مسیر را معکوس کرد؟ از اینکه زیان‌های خالص‌سازی را بشماریم و اینکه چه عوارضی برای مردم و جامعه دارد، نمی‌توان نتیجه گرفت که این راه را باید ادامه داد تا بلکه در جریان خالص‌سازی اختلال ایجاد کرد، اتفاقا بر عکس این فرآیند موجب تقویت جریان خالص‌سازی می‌شود همچنانکه تاکنون شده است.

کافی است که نگاهی به انتخابات ۱۳۹۸ و ۱۴۰۲ کنید. جریان خالص‌ساز در اوج اتحاد و یکدستی بودند، در تهران لیست واحد آنان به‌طور کامل رای آورده، هر چند مشارکت اندک بود، در مقابل در انتخابات ۱۱ اسفند حداقل ۴ لیست با یکدیگر دعوا و نه حتی رقابت می‌کردند. کاری هم به لیست صدای ملت آقای مطهری نداشتند، چنان دعوایی با یکدیگر داشتند که در ۴۵ سال گذشته بی سابقه بوده است.

این به معنای سقوط جریان خالص‌ساز است و اگر از آن استقبال نمی‌کنید، نباید مانع مردم از این فرآیند شدد. در واقع آنان دنبال چیزی بودند و هستند که سراب نارس است و هر چه بیشتر به آن نزدیک می‌شوند، خیالی و زیانبار بودن آن مشهودتر است. بنابراین باید از اصل انتخابات و مشارکت که حدی از راهگشایی را داشته باشد، دفاع کرد و برای حضور در آن آماده بود، ولی همچنان که هر فردی گردد نیست، هر مشارکتی هم راهگشا نیست.

همه دورستی‌ها در یک مده انتخابات پریشور به قوام و تقویت قدرت و امنیت ملی کمک کند که می‌کند، ولی انتخاباتی که متضمن و برآورده‌کننده خواست ملی باشد، یک نگاه به سرلیست اصلی این انتخابات و نفرت دوم و بدعی و این بیندازند؟ یک نگاه به فرآیند انتخابات در کشور و به ویژه تهران بیندازید؟ اگر یک خط قرمه نامه جدی و نه شعاری و پوچ دیدید، حق با شماست. مجلس جای فریاد زدن نیست، البته اگر هم نماینده‌ای فریاد بزند، ایرادی ندارد. مجلس جای قانون‌گذاری و نظارت است. مجلسی که فاقد شفافیت و پاسخگویی و کارآمدی باشد، نتیجه آن همین شعارهای پوچ و معکسرده‌ای جامعه‌مداران انتخاباتی که مردم بترسند پس از پایان آن، مسائلی‌های استخگیرانه تشدید خواهند شد، به سود جامعه نیست و رای دادن در آن، شریک شدن در این فرآیند است.

بله این درست است که هر انتخابی متضمن سود و زیان‌هایی است. ما با هیچ عمل سیاسی که واجد خیر محض باشد، مواجه نیستیم. لذا باید هزینه و فایده کرد. دوستیانی که فقط بر سودهای انتخابات تکیه می‌کنند، به‌طور ضمنی می‌گویند که نمی‌توانند زیان‌های آن را توجیه کنند. تقلیل ارزش رای به اینکه یک نفر فریاد زن در مجلس بفرستیم تا مانع حضور خالص‌سازان شویم، آن هم مجلسی که ۳۰۰ نفر است، به زیان نهاد انتخابات است و مورد پذیرش هیچ عقل سلیمی قرار نمی‌گیرد. من مخالف تحریم بوم و هستم ولی آن چیزی که تحریم را معقول می‌کرد، اصرار بر حضور انتخاباتی بدون راهبرذ روشن و ارزیابی هزینه و فایده است.

فعال سیاسی اصولگرا:

## عواقب ناگواری در انتظار اصلاح‌طلبانی است که مرزبندی ندارند

**سرویس سیاسی** –فعال سیاسی اصولگرا گفت: اگر دلسوزان درون جبهه اصلاحات فکری برای انشقاق رخ داده نکنند شاهد عواقب ناگواری به لحاظ سیاسی برای گروهی خواهیم بود که مرزبندی با ضد انقلاب ندارند. انتخابات هم گذشت و نتیجه آن خیلی زود مشخص خواهد شد. این انتخابات مجلس شورای اسلامی اما برای اصلاح طلبان حکم مرگ و زندگی را داشت زیرا حیات و ممات آنها در گرو یک تصمیم سخت قرار گرفت. جبهه اصلاحات که امروز در مشت رادیکالهایی این جریان قرار دارد با باید پشت بیانه ۱۱۰ نفره اصلاح طلبان حامی مشارکت می‌ایستاد – که چنین نکرد – یا راه براندازان را پیش بگیرد و رسما به تحریمی‌ها می‌پیوست.

محمدجواد اده‌ای نوبندگانی درباره در راهی سخت تصمیم گیری اصلاح طلبان گفت: در ماه‌های ابتدای سال شاهد تغییراتی در جبهه اصلاحات بودیم، آقای بهزاد نبوی جای خود را در ریاست این جبهه به خاتم آذر منصوری داد که این تغییر پیام مهمی برای جامعه سیاسی کشور داشت. وی افزود: بعد از تغییر رئیس جبهه اصلاحات پیش بینی می‌شد که باید منتظر موضع گیری های نندرتی از این اردوگاه سیاسی می‌بودیم و همین طور هم شد. عقلای اصلاحات به حاشیه رفتند و احزابی همچون کارگزاران، ندا، مردم‌سالاری، خانه کارگر و مردم سالاری به این اتفاق نقد داشتند چون می‌ایستد این مسیر خواسته براندازان و ما ده‌ا اغتشاشات سال گذشته است. اینست نماینده ادوار مجلس اظهار کرد: بیابانه ۱۱۰ نفری اصلاح طلبان یک مرزبندی روشنی را در جریان اصلاحات به نمایش گذاشت. معتقدم انشعاب و انشقاق درون جریان اصلاحات اتفاق افتاده اما هنوز اعلام نشده است چون یک گروه اعلام می‌کنند «کسی را تشویق به حضور در انتخابات نخواهند کرد» و یک گروه دیگر بر مشارکت تأکید دارند و وارد ائتلاف های انتخاباتی می‌شوند.

جمالی ادامه داد: اگر دلسوزان درون جبهه اصلاحات فکری برای انشقاق رخ زاده نکنند شاهد عواقب ناگواری به لحاظ سیاسی برای گروهی خواهیم بود که مرزبندی با براندازان و ضد انقلاب ندارند.

### سیاسی

**نژادپهرام فعال سیاسی اصلاح‌طلب:**

# نمایندگان به فکر پنج هزار دکترا ی بیکار باشند!

■ «زهر ا نژادپهرام» فعال سیاسی اصلاح طلب ضمن اشاره به لزوم تلاش مجلس برای استیفای حق قانونگذاری این نهاد معتقد است که نمایندگان باید بعد از ورود به مجلس نگاه ملی داشته باشند و اولویتشان رفع مشکلات اقتصادی مانند بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی باشد.



**سرویس سیاسی** –صبح روز جمعه یازدهم اسفندماه درهای ۵۹ هزار شبهه اخذ رای به روی بیش از ۶۱ میلیون نفر واجد حق رای گشوده شد تا مردم در ۳۱ استان و برای ۲۹۰ حوزه آرای خود را در صندوق‌ها بیاندازند.

در انتخابات بیش از ۲۵ میلیون نفر شرکت کردند تا مشارکتی معادل ۴۱ درصد به ثبت برسد. با پایان زمان رای گیری و البته به جز حوزه‌هایی که در آن‌ها رقابت‌ها در دور دوم ادامه خواهد یافت، در کنار منتخبان ششمین دوره مجلس خبر گران رهبری، بهارستان صاحبان کرسی‌های سبز خود را خواهد شناخت؛ افرادی که بر اساس اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی در برابر تمام ملت مسئولند و حق دارند در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر کنند.مسئولیت و وظیفه اصلی برگزیدگان اما قانون‌گذاری در خانه‌ملت است ضمن این‌که قانون تکالیف و اختیارات نظارتی را نیز برای نمایندگان در نظر گرفته است.در پرونده «نمایندگان و وظیفه

نمایندگی»، پژوهشگر ایرنا با «زهر ا نژادپهرام» فعال سیاسی اصلاح طلب و عضو پنجمین دوره شورای اسلامی شهر تهران گفت‌وگویی داشته که در ادامه شرح آن را می‌خوانیم:

**نیمی از کشور زن هستند در حالی که مجلس فعلی فقط ۱۶ نماینده زن دارد**

**نمایندگان کنونی مجلس چقدر مرد کشور را «نمایندگی» می‌کنند؟ از نظر سنی، جنسیتی، طبقاتی، سطح تحصیلات، دیدگاه‌های سیاسی، نگاه فرهنگی و ...**

به چند دلیل نمایندگان مجلس شرایط لازم را برای نمایندگی همه بخش‌های کشور ندارند؛ اولین مساله این است که تعادل جنسیتی وجود ندارد. نیمی از جمعیت کشور زن هستند این در حالی است که در مجلس قبلی ۱۷ نماینده زن بودند و در مجلس یازدهم تنها ۱۶ زن به عنوان نماینده حضور دارند. این عدد هم اینک مثال کدام یک از نمایندگان مجلس کشور است که در این مجلس نمی‌تواند بیانگر همه دیدگاه‌های جامعه باشد چون تنها با یک جهت فکری حرکت می‌کنسد و نمی‌تواند همه مطالبات، پیگیری‌ها، خواسته‌ها و نیازهای جامعه را پاسخ دهد. به عنوان مثال کدام یک از نمایندگان مجلس پاسخگویی وقایع سال ۱۴۰۱ بودند؟ آنان تنها با نوشتن یک نامه علیه معترضان با سخت‌ترین شیوه، روگردی امنیتی داشتند و طبیعی است که متوجه نیازهای این بخش از جامعه نبودند. این بخش از جامعه خواسته‌ها و تقاضاهای داشت اما آنان حتی نتوانستند این اعتراضات را بشنوند چون بر این باور بودند که اعتراضات به اغتشاش تبدیل شده است، این در حالی است که اعتراض حق قانونی همه شهروندان است و قانون اساسی صراحتا آن را مورد پذیرش قرار داده است اما بسیاری از نمایندگان این دوره از مجلس با همین هم مشکل داشتند.

بحث بعدی این است که نمایندگان مجلس چقدر پاسخگویی نیازهای جامعه بودند؟ چقدر توانستند مشکل اقتصاد کشور حل کنند؟ چقدر توانستند مشکل معیشت مردم حل کنند؟ و چقدر توانستند نسبت به مسائل کشور حساس باشند؟ در ایسن دوره فعالیت مجلس ما چند تا اختلاس بزرگ در کشور داشتیم. چقدر این نمایندگان توانستند بر رفتار بخش‌های مختلف نظارت و نمایندگی کنند و مجازات متخلفان را پیگیری کنند؟ نمایندگان باید توضیح دهند در پرونده‌هایی مانند چای دیش چه اقداماتی انجام دادند. نمایندگان مجلس برای نمونه به منظور آسان‌سازی کسب‌وکارها یا آسانمانه درست کردند اما در بقیه موارد کار خاصی صورت نگرفت.

نمایندگان مجلس باید نظارت کنند و ببینند خواسته مردم چیست. اگر به خیابان آمدند حرف برای گفتن دارند. مردم به اینها رای دادند اما بسیاری‌شان مردم را نمی‌شناسند. جامعه ایران جامعه متنوعی است؛ پر از اقوام مختلف، پر از مذاهب و دیدگاه‌ها مختلف پس از باید حل کرد. نمایندگان باید رویه به این تنوع پاسخ دهد؟ انتظار ما این است که مجلسی وجود داشته باشد که پاسخگویی نیازهای مربوط به پارلمان ملی کشور باشد که متاسفانه در حال حاضر شاهد آن نیستیم.

**حاضر شد برای رای آوردن قول ساخت جاده و فرودگاه داد**

**دغدغه‌های نمایندگان مجلس، چه**

**میزان با دغدغه‌های مردمی که وکالتشان را بر عهده گرفته‌اند تناسب دارد؟**

غالب نمایندگان مجلس معتقدند که نماینده طیف خاصی از مردم هستند؛ این در حالی است که آنها ۸۵میلیون جمعیت را باید ببینند. نمایندگان وقتی وارد مجلس می‌شوند تنها نماینده شهر یا روستای خود نیستند، نماینده ملی هستند. باید تصمیم گیری ملی برای مصالح کشور صورت بگیرد. منافع ملی در منافع محلی اولویت دارد، اگر توان این کار ندارند بر معرض رای گیری قرار بگیرند.

نمی‌توان قول ساخت جاده یا فرودگاه را برای به دست آوردن رای داد. نمایندگان باید بگردند در سطح ملی بیابندیشند. نخستین ویژگی یک نماینده خوب این است که ویژگی ملی داشته باشد. دوم اینکه پاسخگویی نیازهای جامعه باشد. نماینده مردم وظیفه‌اش این است با توجه به منافع ملی پاسخگویی نیازهای مردم باشد. مردم معترض به هزینه‌های زندگی و به وضعیت اقتصادی معترضند و همین طور به مسائلی مانند بیکاری، باید برای حل این مشکل یک طرح درست و یک رویکرد مشخص داشته باشند. دولت اگر جاهایی کم‌توان است نمایندگان مجلس باید کمک کنند و نمایندگان هم باید از ظرفیت کارشناس‌ها استفاده کنند.

در حال حاضر و براساس آمار نزدیک به پنج هزار فارغ‌التحصیل دکتری بیکار هستند. دکتری تربیت کردن کار هر کسی نیست و کلی هزینه شده برای اینکه فرد به این مرتبه برسد. مردم خود جامعه‌ای هستندز دکتری تربیت کند اما امکان جذب آنها را نداشته باشد؟ پس این چه نمایندگی است؟ ایسن چه قانونی است؟ این چه نظارتی است؟ نمایندگان مجلس باید این مشکلات را حل کنند. چرا فارغ‌التحصیلان نباید وارد بازار کار شوند؟ آموزش خراب است که نمی‌توانند وارد بازار کار شوند یا ما توان استفاده از نیروی نخبه نداریم. سازمان ملی نخبگان چه کاری دارد انجام می‌دهد؟ وزارت علوم و وزارت کار چه کار می‌کنند؟ وزارت صنعت دارد چه کار می‌کند؟ اینها را باید نماینده نظارت کند.

باید پرسید نمایندگان برای مساله فیلترینگ چیکار کردند؟ این همه آدم داشتند از این راه نان می‌خورند؛ ده میلیون شغل در فضای مجازی وجود داشت. باید به این مهم توجه کرد که چطور می‌شود معیشت مردم را بهتر کرد؟ چه اقداماتی باید انجام داد که معضل بیکاری حل شود؟ با ارائه طرح‌ها یا مناسب این مسائل را باید حل کرد. نماینده باید در ایسن عرصه‌ها گام بردارد نه دعواهای جناحی و سیاسی انجام دهد نه اینکه دنبال این باشد که لایحه مصوب کند تا جرم‌ها را بیشتر کند.

**میتاق ملی ما حق قانونگذاری را متعلق به مجلس می‌داند**
**برخی می‌گویند مجلس اکنون در راس امور نیست. از منظر آنان جایگاه و**

## لایحه نحوه برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها در دستور کار هفتگی مجلس قرار می‌گیرد

الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱) و گزارش کمیسیون انرژی در مورد لایحه ارجاع اختلاف بین شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع برق ایران و شرکت کنت ترکیه به داور، بررسی

شود.
، جلسات علنی هفته جاری مجلس شورای اسلامی روزهای دوشنبه، سه شنبه و چهارشنبه (۱۵، ۱۴ و ۱۶ اسفندماه) برگزار می‌شود و موارد زیر در دستور کار صحن علنی قرار می‌گیرد:
در هفته جاری قرار است ادامه رسیدگی به گزارش کمیسیون اقتصادی در مورد طرح قانون هدفمند سازی یارانه‌ها و اصلاحات باقی‌مانده در آن از دیگر برنامه های این هفته صحن علنی می‌کنند.
طرح یک فوریتی استفساریه ماده ۴۸ قانون

دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲، ۲۳ شعبان ۱۴۴۵، ۴۰ مارس ۲۰۲۴، شماره ۴۴۲۳، صفحه

یادداشت ...

یک چهره –یک روایت

## اشتباه‌محاسباتی آقای نوبخت چه بود!



خطای اول مدیری که ضرب

هوسی او قطعا از اکثر قریب به اتفاق

مدیران کنونی جمهوری اسلامی بالاتر

است این بود که رای مردم رشت را

سیاسی نمی‌دانست در حالی که مثل

تهران و شهرهای بزرگ دیگر سیاسی

رای می‌دهند یا به دلایل سیاسی رای

نمی‌دهند و کاری به رشتی بودن و

نبودن ندارند.

دکتر محمد باقر نوبخت دبیر کل حزب اعتدال و توسعه و کاندیدای

رشت –که از ناکامان انتخابات ۱۱ اسفند است– در پیام کوتاه‌ای دلیل راه نیافتن

خود به مجلس دوازدهم را «نیامدن مردم رشت» پای صندوق‌های رای دانسته

و نوشته است: «پیامی به مردم فهمم زادگاه خودم ... در تاریخ بماند. نگران شما

بودم، آدمم، همه شما نیامدید. همچنان نگران، ولی با وجدانی آسوده، برگشتم.

خدای مهربان نگهدار تان.»

در این تردید ندارم که اگر و به مجلس راه می‌یافت چه بسا مانند دکتر

پزشکیان گزینه مناسبی برای ریاست فرانکسیون میانه‌روهای منتقد دولت

ریسیی بود و به لحاظ دانش و توان مدیریتی در زمره مدیران استاندارد به

حساب می‌آید و مهم‌ترین تفاوت او با مدیران دیگر این است که بر خلاف

خیلی از مدعیان سر از حساب و کتاب درمی‌آورد و آدم عدد و رقم است.

با این حال همین پیام او نشان می‌دهد دچار اشتباه محاسباتی شده بود و

این خطا از کسی سرزده که در جوانی در همین رشت یکی از بهترین مدرسان

هوش بوده (زمانی که در کتکور سراسری آزمون هوش هم می‌گرفتند).

آن اشتباه محاسباتی هم این است که آقای نوبخت تصور کرد میان گرایش

سیاسی اکثر مردم تهران با رشت تفاوت محسوس وجود دارد و رشتی‌ها مانند

شهرستان‌های کوچک رای غیر سیاسی می‌دهند هر چند که به لطف فضای

مجازی و شبکه‌های اجتماعی (که مردم را بازمباران تبلیغات یک‌سویه و بسیار

ملال‌آور صدا و سیما خلاص کرده) شهرهای کوچک هم شبیه مناطق دیگر

شده‌اند و بهتر است بگیریم رای غیر سیاسی و منطقه‌ای هم می‌دهند یا انتخاب

چهره سیاسی –منطقه‌ای را بر نیامدن ترجیح می‌دهند.

در حالی که غیبت اکثر مردم رشت دقیقا مثل غیبت اکثر مردم تهران بوده

است و ربطی به این ندارد که کاندیدا رشتی است یا تهرانی خاصه این‌که با

تغییر نسل هم رویه رویم. نسل تازه اصول‌گرایان جوان که از زبان آقای حداد

عادل و در مقام خبرنگار و تحقیف به به پاخوش‌های چنان تشبیه شدند علیه

چنارهای سایقه‌دار شوردند و در تهران شُدد آنچه شد و اکنون پیش چشم

ماست. نسل تازه شهروندان دیگر –زندگی خواهان غیر آرمان‌گرا که جهان

را از چشمی‌های ایدئولوژیک نمی‌نگرند– نیز خواست‌های جدی‌تری دارند

و دیگر به راه یافتن امثال آقای مطهری و نوبخت قانع نیستند و کاهش نرخ

مشارکت یا رای باطله به صندوق انداختن را حاوی پیام روشن‌تری به ساختار

قدرت می‌دانستند تا نوشتن نام محمد باقر نوبخت روی برگه و تازه خود آقای

علسی‌لازچیانی‌سه که از نوبخت حمایت کرده نیز همین چند ماه پیش گفته بود:

«لُک را چاره‌ای دیگر نیات است.

اگر ششمار کارکنان و سربازان و مددجویان و دیگر کسانی که بنا بر

ملاحظاتِی تصور می‌کردند باید کد ملی خود را ثبت کنند در رشت بالا بود

چه بسا به جای رای باطله و سفید نام نوبخت را می‌نوشتند اما وقتی به دلیل

سیاسی تصمیم گرفتند مشارکت نکنند دیگر تفاوتی نداشت آقای نوبخت به

زادگاه خود با گذاشته یا نه چون اساسا بحث ازادگاه در میان نبود

کمااین‌که اگر در ۱۴۰۴قرار بر برگزاری انتخابات آزاد ریاست جمهوری

و با رقابت واقعی باشد و مردم احساس کنند رییس جمهوری منتخب اعتدال‌گرا

قادر به ایجاد تغییرات جدی در مناسبات داخلی و جهانی است که در زندگی

آنان اثر می‌گذارد و مزاحم سبک زندگی‌شان نخواهد شد و در شهرهای دیگر

هم اگر –اگر– موجدی درگیرد و ملای همین آقای نوبخت کاندیدای مورد

حمایت توسعه‌گرایان و اصلاح طلبان و تحول خواهان باشد بعید نیست همین

مردم رشت به او رای دهند مثل مردم تهران و شیراز و اصفهان و جاهای دیگر.

آنقدری دیگری می‌توان گفت: محمد باقر نوبخت به رشت رفت و

ناکام برگشت و همین سرنوشت برای محمد رضا باهنر در کرمان گرفت و

شده اما سرنوشت مسعود پزشکیان متفاوت است. چرا؟! چون او نرفته بود

تا بازگردد. بودا یک تفاوت مهم دیگر همین است. نوبخت و باهنر چون در

تهران اقبالی نداشتند به زادگاه بازگشتند ولی پزشکیان نماینده تبریز بود و

تبریزی‌ها خواسته‌های جدا بماند. مثل نماینده دیگر شان –صدای افشاگر

شامی‌بلندها– خاموش نشود. پس خطای این نوبخت این بود که رای مردم

رشت را راسیاسی نمی‌دانست درحالی‌که مثل تهران و شهرهای بزرگ دیگر

سیاسی رای می‌دهند یا به دلیل سیاسی رای نمی‌دهند و کاری به رشتی بودن

و نبودن ندارند. به همان دلیل که ۷۵درصد مردم تهران در انتخابات شرکت

نکردند (نیافتن نقطه‌ای مورد نظر یا ترجیح پیام اعتراضی به شیوه‌ای تازه

یا احساس نقش نداشتن مجلس در ساختار قانون‌گذاری)، نصف ۲۵ درصد

مشارکت کننده– که به خاطر آن برخی چراغانی به راه انداخته اند!– هم رای

باطله انداختند در رشت هم اکثر مردم با رای ندادند. یا اگر بنا به ملاحظاتِی رای

دادند رای سفید و باطله انداختند یا به خاطر این وضع اقتصادی و نوع رفتار با

انتخاب‌های سیاسی و فرهنگی مردم روی برگه‌ها کلمات تشکر آمیزی نوشتند

که احتمالا می‌تواند موضوع یک پایان‌نامه باشد.

خطای دوم این بود که پنداشتند مردم رشت با او مثل مردم تبریز رفتار

می‌کنند و در این فقره مثل باهنر لُک‌را اشتباه کرد. چون قصه دکتر پزشکیان

کاملا متفاوت است. زیرا او به تبریز نرفته بود، بلکه بود. (بر دو کلمه «آدمم» و

«برگشتم» در پیام دکتر نوبخت درنگ کنید).

خطای سوم هم احتمالا این بود که همان‌گونه که حزب اعتدال و توسعه

سازی جدا از جبهه اصلاحات ایران کوک کرد شخص دبیر کل هم پنداشت

چون نام او بالا بود و مثل ۴۰ نفر دیگر از میانه روها راه می‌یافت اما رشت

که نداشت و تنها رییس سابق مجلس حمایت کرد و از حمایت رهبری جبهه

اصلاحات خبری نشد. اگر آقای نوبخت زاده و پایلده شهر رشت نبود یا

از یکی از شهرستان‌های کوچک و کم جمعیت گیلان نامزد می‌شد احتمال

رای آوری او بالا بود و مثل ۴۰ نفر دیگر از میانه روها راه می‌یافت اما رشت

مانند تهران نگاه منطقه‌ای ندارد و نگاه سیاسی غلبه دارد و حتی اگر نگاه سیاسی

را هم غالب ندانیم به لحاظ اجتماعی و سبک زندگی از بسیاری از نقاط دیگر

ایران مدرن‌ترند.

در روزی که خیر محکومیت ترانه‌سرای محبوب منتشر شد کمترین

واکنش نسل تازه‌ای بود که پای صفتق نیابند. نسلی که رای نسل قبلی به

آقای نوبخت در همین رشت را به خاطر ندارد.

درست است که نوبخت هیچ نقشی در قانون جریمه‌های حجاب نداشته

و قطعا منتقد پروردگار نیمه دوم سال گذشته است (چرا که سخن گوی

دولت روحانی بوده و با او هموست) اما اصول‌گرایان‌رادیکال با سخت گیری

درباره پوشش زنان عملا پای کتبی این زنان و دخترانی ایرانی را که پوشش

رسمی را رعایت نمی‌کنند از صندوق‌ها بریده‌اند و اگر هم بنا به ملاحظات

اداری بیابند رای سفید می‌اندازند و این دیگر رشت و تهران ندارد!

پاچوش‌ها فرمول‌ارادهایی به مجلس و تبدیل به چنار پا پیدا و اجرا

کرده‌اند: یک؛ کاهش شمار شرکت‌کنندگان و خالص‌سازی آنان و در واقع

رای دهندگان را هم خالص‌سازی عملی کردند و دوم‌رای سازمان یافته و

تشکیلاتی. پس به صرف انکا به زادگاه آن هم در یک کلان‌شهر نمی‌توان امید

به موفقیت داشت.

# صنایع چوب  حلاج کیشین

کلیه سفارشات MDF، جوبی دکورا سیون  غرفه و منزل تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲